

از لابلای یادداشت‌ها و نیشته‌های روزمره ام

## بحران در اروپا و چشم انداز صلح در افغانستان قراردادن ارزش‌های امریکایی با توهمات در یک ترازو فاجعه کنونی در کشور ما، نتایج کار ۲۰ ساله امریکا

**شکل‌گیری گروه‌های دهشت افکن بمنظور دستیابی با اهداف جنوپولیتیکی  
دستچین نخبگان نولیبرالی و گماشتن آنها در مسند قدرت  
تسلیم‌دهی‌ها، انتقام‌گیری‌ها و بحران مهاجرت**

بحران، پیش‌آمدیست که بگونه ناگهانی و گاهی هم به پیمانانه فزاینده‌ای رخ می‌نماید و بوضعیتی خطرناک و ناپایداری برای فرد، گروه یا جامعه میانجامد. بحران سبب بوجود آمدن شرایطی میگردد که بمنظور برطرف کردن آن، نیاز با اقدامات اساسی و فوق‌العاده می‌باشد. بحران‌ها برحسب نوع و شدت از هم متفاوتند. بحران یک فشار زایی بزرگ و ویژه است که سبب درهم شکسته شدن انگاره‌های متعارف و واکنش‌های گسترده میشود و آسیب‌ها، تهدیدها، خطر‌ها و نیازهای نازه‌ای بوجود می‌آورد. بحران شناسی بخش مهمی از فرآیند مدیریت بحران و پژوهش‌های مربوط بآنها تشکیل می‌دهد. شناخت هرچه دقیقتر بحران، همچون هر حوزه مدیریتی دیگری، به کنترل و هدایت هرچه مؤثرتر آن کمک کرده و مدیران بحران میتوانند با تفکیک تفصیلی مسأله پیشرو، آنرا مدیریت پذیر گردانند. فرآیند پیشبینی و پیشگیری از وقوع بحران، برخورد و مداخله در بحران و سالم‌سازی پس از وقوع بحران را مدیریت بحران می‌گویند. مدیریت بحران، علم کاربردی بحساب می‌آید که بوسیله مشاهده سیستماتیک بحران‌ها و تجزیه و تحلیل آنها، در جستجوی ارزیابی بایزاری میباشد که بوسیله آن بتوان از بروز بحران‌ها پیشگیری نموده یا در صورت بروز بحران، بمنظور کاهش اثرات و بهبود اوضاع، سریع‌تر اقدامات مدیریتی کرد. برخی از دسته‌بندی‌های بحران‌ها بگونه زیر است: بحران شخصی، بحران اجتماعی، بحران اقتصادی، بحران سیاسی، بحران بین‌المللی و بحران زیست‌محیطی. ممکن این پرسش میان بیاید که در سده بیست و یکم بابرخورداری از آخرین پیشرفت‌های فناوری در زمینه مقابله با حوادث غیرمترقبه، از جمله روشهای مدرن ارتبات و فوریت‌های پزشکی و تداوی مجروحان، چه نیازی به مطالعه تاریخ حوادث وجود دارد. بعبارت دیگر، مطالعه پیشینه‌ی مقابله با این حوادث، چه کمکی با افزایش توانمندی مدیران بحران در زمان ما می‌کند.

سخن را از اینجا و بر بنیاد این پرسش عده‌ای از کارشناسان باید آغاز نمود که آیا روسیه و امریکا، اهمیت کشور عزیز ما افغانستان را بدلیل درگیری‌های مسلحانه در اکراین و حوادث مربوط بآن کشور بدست فراموشی سپرده و نادیده میانگارند؟ چه، بگفته آنها، بمنظور جلوگیری از بازسازی "داعش" و سایر گروه‌بندی‌های تروریستی، باید روسیه، ایالات متحده، چین و پاکستان در زمینه استقرار مجدد صلح سراسری و تأمین امنیت در کشور ما تلاش نمایند. بهر حال، تمرکز سیستم امنیت جهانی از جنوب آسیا باروپا منتقل شده و بنحوی از انحاء، ویرانگرترین بحران‌های بین‌المللی و از جمله بحران‌های خاورمیانه در درجه دوم اهمیت قرار داده می‌شود. اما با اینحال و با وجود اینهمه تغییرات در حال تکوین در مجموعه اهداف ستراتیژیک ایالات متحده و ناتو، متأسفانه تشنج اوضاع در کشور عزیز ما افغانستان مجدد تشدید می‌گردد. با در نظر داشت عوامل بی‌ثباتی در افغانستان کنونی، جنگجویان "داعش" بمتأیبه مسلمانان سنی مذهب بر شهروندان اهل تشیع کشور، حملاتی را سازماندهی و اجرا می‌نمایند. از آنجایی که اکثریت قریب بتمام کشورهای جهان بدلیل عدم پابندی "طالب‌ها" با انجام عملی مکلفیت‌های تعیین شده، بویژه در زمینه دفاع از حقوق بشر و رعایت حقوق حقه بانوان کشور، از برسمیت شناختن حاکمیت آنها تاکنون اباً و رزیدند، وضعیت یادشده بگونه مستقیمی توسط یک ساختار پیچیده مالی و دیپلوماتیک بین‌المللی، بیش از پیش تشدید می‌گردد. اما واقعیت اینست که ایالات متحده، بودجه و جوه مالی مشخصی به

کشورما اختصاص نداده، از وضعیت میهن ما فاصله گرفته و بیشترین توجه به اکرانین و بحران اروپا معطوف گردید. از جانب دیگر، "طالب"ها، از ایالات متحده و ناتو خواستار رعایت توافقات حاصله در دوحه و نقطه پایان گذاشتن به سیاست های مداخله گرانه آنها می باشند. از جانب دیگر، شورای امنیت سازمان ملل در مورد تداوم مأموریت سیاسی سازمان ملل در کشورما برای یکسال دیگر فیصله بعمل آورد. بخاطر باید داشت که تغییر و تحول در اولویت های کاری سازمان یادشده بمنظور بهبود و ثمربخشی بیشتر عملکردهای آن سازمان و آمادگی با وضعیت جدید در محلات کشور عنوان گردید.

در امتداد ماه حمل سال روان، روسیه، چین، پاکستان و ترکمنستان، نخستین دیپلمات های فرستاده شده توسط "طالب"ها در کشورهای شان را پذیرفتند. در بخشی از سخنان و اظهارنظرهای کشورهای یادشده تذکر بعمل آمد که جامعه جهانی با حاکمیت جدید تشکیل شده در افغانستان باب همکاری را گشوده و بمثابة نخستین اقدام باید در مورد برسمیت شناختن آن گام های سازنده ای برداشته شود.

نباید فراموش نمود که از جنبه های مرگبار بحران کشورما که حتا می تواند امنیت جهانی را مورد تهدید قرار دهد، از جمله یکی هم چگونگی تداوم سیاست نا هماهنگ امریکا و کشورهای عضو ناتو در قبال کشورما می باشد. بگفته کارشناسان، بعوض ارائه کمک و معاونت به "طالب"های افغان بمنظور تحکیم و استقرار اوضاع، با در نظر داشت منافع همه طرف های درگیر، اما با انجام سیاست های نا هماهنگ ایالات متحده و کشورهای عضو ناتو در مورد جنگ و درگیری های مسلحانه در اراضی کشورما، اوضاع بیش از هر زمان دیگر، مغلق و پیچیده گردید. در وضعیت اینچنینی، بازیکن جدید تروریستی فراملیتی نیز عرض وجود نموده و بگونه مستقیمی بر اوضاع عمومی پاکستان، ایران، روسیه و چین اثرگذار بوده و تهدیدهایی را بمیان خواهد آورد. بگمان اغلب کاصل هسته گذاری "داعش"، بویژه پس از فروکش نمودن اقدامات صلح آمیز در کشورما، ممکن به مناطق و اراضی خارج از محدوده مرزهای کشورما نیز سرایت نماید. از آنجایی که "داعش" مانند سایر گروه های دهشت طلب، در بخش های مختلف درگیری بمثابة ابزاری بمنظور تضعیف امنیت، استفاده ابزاری بعمل می آید، این امکان نیز وجود دارد که با سازماندهی و براه انداختن درگیری های آینده، بگونه تمام عیاری از افغانستان، اروپا و خاور میانه نیز سربازگیری بعمل آید.

در این مورد پرسشی باین شرح مطرح می گردد کآیا جنگ سرد ترکیبی جدیدی در راه بوده و تهدیدهایی متوجه صلح و امنیت جهانی می باشد؟

قابل یاددانهایی پنداشته می شود که از جمله انکشافات مهم درین عرصه یکی هم معطوف نمودن توجه ایالات متحده و کشورهای غربی، بویژه در مورد انتقال منابع مادی و تسلیحاتی از کشور عزیزما افغانستان به اروپا و بخصوص پس از آغاز درگیری های مسلحانه در اکرانین می باشد. از آنجایی که درگیریهای یادشده بخودی خود نمادی از تقابل و رویارویی فدراسیون روسیه در قبال وسعت ناتو بشرق پنداشته می شود، اما از جانب ایالات متحده و هم پیمانان غربی اش بمثابة "جنگ سرد جدید ترکیبی" تلقی میگردد. در کنار این همه، چگونگی وضعیت بخودی خود بازگویی این امر می باشد که وخامت وضعیت اقتصادی و ناامنی در کشورما، بیش از هر زمان دیگر با حمایه و پشتیبانی ناتو از اکرانین گسترش می یابد. علاوه بر آن، کمک های بشردوستانه نیز از افغانستان بکشور اخیر الذکر توزیع مجدد می گردد. بر بنیاد آمار و ارقام بنشر رسیده، از تعداد مجموعی ۳۸ میلیون تن شهروندان کشور، بتعداد ۲۴ میلیون تن آنها بکمک های فوری بشردوستانه نیاز دارند که بر همین بنیاد، سا زمان ملل مبلغ ۴،۵ میلیارد دالر را بکمک ها و معاونت های بشردوستانه ۳،۵ میلیارد دالر را هم بمنظور انکشاف جامعه افغانی در سال روان اختصاص داده است. در اینجا پرسشی باین شرح مطرح می گردد که آیا غرب و جوه تعیین شده به کشورما را به اکرانین اختصاص خواهد داد؟ و اگر پاسخ در مورد یادشده مثبت باشد، پس معضل مهاجران به چه نحوه ایی حل و فصل خواهد گردید؟

در دکترین اساسی و عمده، نحوه هدایت و رهبری درگیری ها، در نهایت امر، بویژه خارج از محدوده اهداف ژئو ستراتیژیک به بازنگری تعامل و توافق هایی تأکید بعمل می آید. این ممکن خیالپردازی سیاسی محسوب گردد، اما بمنظور برقراری و استحکام صلح جهانی، از درس های تاریخ باید آموخت. در شرایط و وضعیت کنونی، اروپا بعوض راه اندازی و شرکت در درگیری های مسلحانه جدید، در مورد دورنمای اقتصادی اش باید بیاندیشد. نباید فراموش نمود که همین اکنون اروپا، با بحران شدید اقتصادی و انرژی مواجه بوده و تشدید عملکردها و اقدامات مسلحانه ناتو به یقین کامل که بر سیر رشد و تکامل صنعتی جهان در مجموع، اثرات منفی بجا خواهد گذاشت.

اگر جنگ و درگیری های مسلحانه در اکرانین و کشورهای اروپایی وسعت یابد، از قضا، اثرات و تأثیرگذاری های آن بوضعیت درکشور عزیزما افغانستان را بمشکل بتوان ارزیابی نمود. بدلیل اینکه قبل از درگیری های مسلحانه در اکرانین، منافع روسیه و امریکا در باره کشورما بویژه در مورد تشکیل و شکل بندی دولت فراگیر درافغانستان، تقریباً در تطابق با همدیگر بوده و یاهم همخوانی داشت. علیرغم مخالفت ها و ضدونقیض گویی های در حال تزايد میان روسیه و ناتو پارتباط درگیری های مسلحانه در اکرانین، ایالات متحده، آلمان، چین و روسیه، بگونه عام از استقرار صلح درکشورما پشتیبانی و حمایت بعمل آوردند. در نظر باید داشت که در امتداد زمانی ملاقات و گفتگوهای صلح دوحه و تشکیل حاکمیت "طالب" ها، فدراسیون روسیه با "طالب" ها بگونه منحصر بفردی، تماسها و ارتباطاتش را حفظ نمود که چنین وضعیتی اصلن با مزاج ایالات متحده موافق نبود. مطابق اظهارات مقامات مسؤل روسیه، آنکشور طرفدار افغانستان بیطرف و خواهان توسعه و انکشاف مناسبات اقتصادی و فرهنگی باکشورما بوده و درصدد آن میباشد تا حاکمیت "طالب" ها مانع بسط و گسترش فعالیت ها و عملکردهای "داعش" در سرزمین کشورما شده و بانها اجازه ندهند تا از این طریق باجراً و تطبیق برنامه های شان در اراضی متعلق بروسیه و آسیای میانه متوسل گردند.

از آنجایی که جنگجویانی از مناطق مختلف درگیری های مسلحانه به سرزمین اکرانین دیسانت گردیده و این امر همچنان ادامه دارد، در چنین وضعیتی، خطر گسترش درگیری های مسلحانه از محدوده کشورمورد نظر نیز موجود می باشد. این در نوع خود باین معناست که سناریوهای تدوین شده، میتواند در برگیرنده مناطقی از اروپا بمفهوم وسیع کلمه نیز باشد. بر بنیاد اظهارات کارشناسان فدراتیف روسیه، مسأله ایجاد و بقاری تماس با "طالب" ها و اصل همکاری با آنها برای روسیه در درجه نخست اهمیت قرار داشته و در مورد برسمیت شناختن بین المللی آنها نیز سعی می ورزد. اما تداوم هر نوع تداخل و مداخله در مسایل و قضایای مربوط باکرانین، بگمان اغلب که سبب خواهد شد تا روسیه بگونه فعالی علیه سیاست های جنگ طلبانه اتخاذ شده ناتو موضعگیری نماید. سازمان ملل و اروپا باید مسؤلیت سعی و تلاش بمنظور فراخواندن طرف های درگیر در قضایای کنونی اکرانین را بمنظور حل و فصل صلح آمیز برعهده گیرند و اما در مورد وضعیت واقعی کشور، بویژه پس از برگشت نظامیان امریکایی و ناتو از اراضی کشورما بایست یادآور شد که علیرغم نقش پاکستان، چین و روسیه، درکشور عزیزما به دلیل نبود استقرار وضعیت و عمدتاً بدلیل عوامل و فاکتورهای دوگانه ذیل، امکان سقوط آن به جنگ داخلی نیز موجود می باشد:

الف) قدرتهای غربی بدنبال حل و فصل مشکل کشورما در پس زمینه خشونت های سیستماتیک داعش میباشدند؛  
ب) بدلیل ویژگیهای ستراتیژیک درگیری ها در کشورما، دول کشورهای منطقه و جهان به تنهایی آماده پاسخگو بی درقبال کشورما نمی باشند.

قابل یاددهانی پنداشته می شود که در امتداد سی سال پسین، چین از اثرگذاری های اندک اقتصادی و سیاسی در کشورما برخوردار بود. اکثریت قریب بتمام اهداف جیوستراتیژیک آن کشور از طریق متحدش (پاکستان) تحقق پذیر می باشد. علاوه برآن، از ماه جدی سال ۱۳۸۰، کشورهند نیز با افزایش تأثیرگذاری اش بوضعیت کشورما افزود کاین در نوع خود، برای کشورچین، اخبار و تحولات ناخوشآیندی محسوب گردید. اما در شرایط و وضعیت کنونی که "طالب" ها بقدرت تکیه زده اند، بمنظور تحکیم حاکمیت شان به معاونت ها و کمک های اقتصادی و سیاسی اشد ضرورت دارند. آیا می توان همکاری همکاری های نزدیک و فشرده چین با پاکستان و روسیه را بمنظور تحکیم صلح و ایجاد ثبات در افغانستان انتظار داشت؟ همچنان انتظار برده می شود که چین بمنظور ایجاد و پایه گذاری حاکمیت سیاسی فراگیر در کشورما سهم براننده ای ایفا نماید.

قابل تذکر پنداشته می شود که در موجی از خشونت های شدید و گروهی مبنی بر قتل و بختاک و خون کشانیدن کارمندان بخش های امنیتی و کارمندان حلقات میانی و متوسط "طالب" ها توسط "داعش" و همچنان درگیری های متقابل "داعش" با جبهه مقاومت، در مورد ظرفیت "طالب" ها در امر تقابل و رویارویی با تروریسم، شک و تردیدهایی را بوجود آورد که در نوع خود سبب تضعیف اتوریته "طالب" ها و تنزیل اهمیت سیستم امنیتی آنها گردید. نبود پشتیبانیهای سیاسی و فقدان کمکها و معاونت های بین المللی و همچنان موضعگیری ها و برخوردهای سنتی "طالب" ها در قبال حقوق بشر و بویژه در عرصه حق تحصیلات بانوان کشور، بیش از پیش اسباب بی اعتمادی طرف های منطقوی و بین المللی قضایای کشورما را فراهم نمود.

در مورد تأثیر ژئوپولیتیک بحران اروپا بوضعیت کنونی کشور، با جرأت می توان گفت که درگیری روسیه در

اگرانین، ارزش و اهمیت ثبات را بمفهوم وسیع کلمه بویژه برای کشورهای آسیای مرکزی بگونه چشمگیری افزایش داده است. تا هنوز هم تحریم های اقتصادی با وجود آنکه ممکن کشورهای آسیایی بگونه موقتی زیان هایی را متقبل گردیده باشند، اما درمورد روسیه به نتایج منتظره و دلخواه غرب نیانجامید. علیرغم تمایل دول کشورهای آسیای مرکزی درمورد استقرار صلح و امنیت درکشورما، دول کشورهای یادشده بگونه نسبی از اثر بخشی ومؤثریت بیشتری بر "طالب" ها برخوردار می باشند، بدینترتیب، اصلن درباره تغییرمجموعی وضعیت و اوضاع نا امن وعدم ثبات اقتصادی برخاسته ازشرایط و وضعیت کنونی افغانستان و سرایت وانتقال آن بکشور های آسیای مرکزی نمی توان مطمئن بود. معضل جیوپولیتیکی بگونه مستقیمی رقابت های ستراتیژیک میان روسیه وناتو را تشدید خواهد نمود.

از نقطه نظر جیوپولیتیکی می توان مدعی گردید که همکاری میان روسیه، پاکستان و چین بویژه در امرپایه گذاری وتتشکیل حاکمیت سیاسی پایدار وهمه شمول درسرزمین کشورما، ممکن زمینه های ایجاد فضای اعتبار متقابل وحصول تفاهماتی را میان روسیه و ایالات متحده که درنتیجه درگیری های اگرانین دچارصدمه گردیده، بیشترمهیأ وفراهم نماید، چه، اصل همکاری میان کشورهای یادشده درمورد کشور عزیزما با گسست هایی موا جه گردید.

درنهایت امرمی توان چنین نتیجه گیری نمود که بی توجهی بوضعیت کنونی کشورما، بگونه مستقیمی، سیستم اسکان مهاجران و ارانه معاونت ها و کمک های بشردوستانه بین المللی به میلیون ها تن ازاطفال کشوررا که با کمبود مواد غذایی مورد تهدید قراردارند، با موانعی مواجه خواهد نمود.

این هم بمثابه واقعبیت مسلمی پنداشته می شود که بدلیل معطوف نمودن توجه غرب باروپا وبویژه به درگیری های اگرانین، قبل از دیگران، "داعش" در انجام اقدامات تروریستی و تخریبکارانه اش بیش از هرزمان دیگر جسورتر گردیده است.

علاوه برآن، خطرتهدید جنگ داخلی وانزوای حاکمیت "طالب" ها می تواند مجددن این امکان وفرصت رامیسر نماید تا اجتماعات و گروههای تروریستی بین المللی، فعالیت و عملکردهای شان را در کشور عزیزما افغانستان تشدید نموده واز اینطریق منافع ستراتیژیک غرب درمنطقه آسیای مرکزی وآسیای جنوبی را مورد تهدید قرار دهند.

درنهایت بحث کنونی وبگونه نتیجه گیری می توان متذکرگردید که مهمترین مسأله قابل توجه درمورد، این خوا هد بود که روسیه و ایالات متحده، اهمیت کشورما را بدلیل درگیری های اگرانین نباید نادیده انگارند. دردرجه دوم قراردادن و تنزیل اهمیت معضل و مشکل کشورما باین مفهوم تلقی می گردد که کشورهای عضو ناتو بگونه مجموعی امکانات اندک مادی را در امر حمایه و پشتیبانی از پروسه صلح آغازشده درافغانستان، اختصاص می دهند.

بایست یادآورشد که بمنظور جلوگیری ازاحیای مجدد تروریست ها ومانع گردیدن از عملیات تخریبکارانه آنها، لازمی بنظرمی رسد تا کشورهای روسیه، ایالات متحده، چین و پاکستان در امر جلوگیری از احیای مجدد ترور یست ها وبویژه از نطفه بندی های "داعش" و بمنظورتعمیق همکاری در امر تأمین صلح سراسری درکشورما بااقدامات عملی وسازنده ای متوسل گردند.

همچنان دروضعیت کنونی ضرورت این امر احساس می گردد تا گام های مؤثری بمنظور جلوگیری ازخطرگستر ش جنگ ودرگیری های مسلحانه دراروپا وبمنظور حل وفصل بحران اگرانین برداشته شود.

زمان آن فرا رسیده تا با احتیاط وصبر راهبردی اقدام نموده واز رویارویی وتقابل درمقیاس وسیعتر واز استفاده وکاربرد مدرن ترین تسلیحات وپیشرفته ترین سلاح ها وجنگ افزارهای ستراتیژیک اجتناب بعمل آید.

شنبه ۱۱ ماه سرطان سال ۱۴۰۱ خورشیدی